

## تأملی بر مفهوم حق نمایندگی با رویکرد ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای مجلس خبرگان رهبری در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات

### چکیده

حق نمایندگی، بخشی از حق رأی سیاسی فردی و مهم‌ترین حقوق اساسی ملت در اداره امور و اعمال حاکمیت سیاسی است که قانون اساسی آن را تحت عنوان حق مشارکت عامه مردم بر تعیین سرنوشت خویش و حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری به رسمیت شناخته است و هر شهروندی حق دارد در انتخابات و در حیطه قانونی آن خود را نامزد نماید. مهم‌ترین وظیفه مجلس خبرگان رهبری، شناسایی، تعیین، معرفی و عزل مقام رهبری است. در اجرای اصل حاکمیت قانون، مقنن می‌تواند شرایط داوطلبان انتخابات را تعریف و تعیین کند، ولی این شرایط نمی‌تواند برخلاف اصول قانون اساسی باشد. نظارت بر شرایط قانونی با شورای نگهبان است و کسی را نمی‌توان بدون مستند قانونی و دلیل معتبر از حق انتخاب شدن محروم کرد. بنابراین، وجود شرایط کلی در روش احراز صلاحیت‌ها، به نوعی ابهام در حق انتخاب‌پذیری، محدودیت نامتناسب بر حقوق انتخاب‌شوندگان و ارزیابی متفاوت با شرایط قانونی ایجاد می‌کند. پرسش اصلی این است که ملاک و معیار حق انتخاب شدن و مبانی محدودیت‌های ناشی از آن در نظام انتخاباتی مجلس خبرگان چیست؟ تدوین این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و موضوع با تکیه بر ظرفیت‌های قانون اساسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، بازتعریف و بیان حقیقی شرایط داوطلبی با تعیین شاخص‌های دقیق و لازم و اتخاذ روش عملی احراز صلاحیت نامزدی با تفوق حقوق ملت در اصول قانون اساسی و راهکار سیاست‌های کلی انتخابات امکان‌پذیر است. پیشنهاد‌های ارائه‌شده در خصوص رسیدگی حقوقی بر صلاحیت، اعتراض نامزدها و پاسخگویی مسئولانه و عمومی می‌تواند به رفع ابهام از گستره حق انتخاب‌پذیران و توسعه مشارکت عمومی در انتخابات بینجامد.

**واژگان کلیدی:** احراز صلاحیت، حق تعیین سرنوشت، حق نمایندگی، سیاست‌های کلی انتخابات، مجلس خبرگان رهبری و محدودیت‌های انتخاب‌پذیری.

## مقدمه

نظام مردم‌سالاری با حق مشارکت مردم بر تعیین سرنوشت خویش ملازم است و از عرصه‌های مهم دخالت مردم در امور حاکمیتی، اعمال حق رأی فردی در انتخاب کردن و انتخاب شدن است. در واقع حق رأی مردم تنها منحصر به رأی دادن نیست، بلکه آنان حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی نظام سیاسی را هم دارند.<sup>۱</sup> حق نمایندگی از مهم‌ترین ساحت‌های مشارکت برای تصدی مسئولیت‌های آتی کشور است. از این رو، قانون اساسی در اصل پنجاه‌وششم، حاکمیت مردمی را حق قانونی همه افراد ملت شمرده و در اصل ششم نیز تشکیل هرگونه قدرت سیاسی را منوط به اتکای آرای عمومی از طریق انتخابات دانسته است. نظام سیاسی کشور یک نظام انتخابی و مبتنی بر اندیشه مردم‌سالاری دینی معرفی شده و اعمال حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>۲</sup> طبق اصل سوم قانون اساسی، دولت مکلف است همه امکانات خود را برای تحقق مشارکت عامه مردم بر تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش به کار گیرد، بر همین اساس، اعتبار حقوقی-سیاسی دولت‌ها در چارچوب نظام نمایندگی تأمین و اعمال می‌شود.

حق نمایندگی مردم از اساسی‌ترین موازین حقوق بشری و بارزترین نماد حق تعیین سرنوشت سیاسی-اجتماعی است.<sup>۳</sup> رویکرد نظام حقوقی<sup>۴</sup> ایران برخلاف اسناد حقوق بشری که مبنای حاکمیت را در اکثر زمینه‌ها بر رأی و نظر مردم قرار داده، در مواردی آن را با معیار موازین اسلامی تحدید نموده است تا مردم خیر عمومی را براساس اعتقادات خویش به شریعت اسلامی تعیین و حاکمیت موازین اسلامی را بر سرنوشت خویش برگزینند.<sup>۵</sup> حق نامزد شدن<sup>۶</sup> به نمایندگی مردم در مجلس خبرگان از بارزترین نماد حق مشارکت مردم در اداره شایسته امور و صیانت از اصول و مبانی ارزشی نظام مردم‌سالاری است، این حق قانونی در اختیار

۱. ابوالفضل قاضی شریعت‌پناه، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، (تهران: میزان، ج ۱۴، ۱۳۹۵)، ص ۵۹۷.

۲. محمد هاشمی، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، ج ۲، (تهران: میزان، ج ۵، ۱۳۸۹)، ص ۵.

۳. بند ۸ اصل سوم قانون اساسی.

۴. نظام حقوقی بر پایه اصول قانون اساسی، گزاره‌های قانونی و رویه‌های اجرایی بنیان نهاده شده است، نک: حسین عالی‌پور، «نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، ش ۶۹ (۱۳۹۴)، ص ۶۳.

۵. علیرضا دبیرنیا و صائب دست‌پیمان، «شناسایی حق تعیین سرنوشت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتوی نظریه قدرت مؤسس»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۷۰ (۱۴۰۰)، ص ۱۲۲.

۶. The right to be a candidate.

شهروندان قرار دارد تا در فرایند انتخابات آزاد و رقابتی به کار گیرند و هر فردی در حیطة قانونی از حق انتخاب شدن برخوردار است.<sup>۷</sup> اصل کرامت انسانی، برابری و تساوی همگان در برخورداری از حمایت قانون، بهره‌مندی از امکانات و مشاغل عمومی و حقوق سیاسی و انسانی به هر فرد واجدالشرايط این اجازه را می‌دهد که خود را نامزد انتخابات کند. مشارکت فعال مردمی و گروه‌های سیاسی در اداره امور عمومی موجب رضایت‌مندی افراد جامعه و کم‌هزینه‌ترین روش‌های انتقال قدرت و چرخش نخبگان سیاسی به صورت آرام و مسالمت‌آمیز است.<sup>۸</sup>

مجلس خبرگان رهبری یکی از نهادهای انتخابی، خودتنظیمی و مستقل<sup>۹</sup>، و متشکل از فقهای است که وظیفه تشخیص و انتخاب فقیه واجدالشرايط را به‌عنوان رهبری نظام برعهده دارند. انتخاب مقام رهبری از سوی خبرگان منتخب مردم به شیوه مردم‌سالاری غیرمستقیم است. قانون اساسی اختیار انتخاب، نظارت و برکناری مقام رهبری (نظارت بر بقا و استمرار شرايط رهبری) را به خبرگان منتخب مردم داده و این نهاد مکلف است در صورت فوت، کناره‌گیری و عزل رهبری در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نماید.<sup>۱۰</sup> قانون‌گذاری عادی در خصوص خبرگان رهبری با مجلس خبرگان بوده، نظارت بر انتخاب آنان با شورای نگهبان است. البته احراز صلاحیت داوطلبان خبرگان تنها با فقهای شورای نگهبان است<sup>۱۱</sup> و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات صرفاً اختیار نظارت بر روند برگزاری و صحت انتخابات در سراسر کشور را دارد.<sup>۱۲</sup> مجلس خبرگان در اجرای حاکمیت قانون می‌تواند شرايط داوطلبان را با رعایت حقوق اشخاص از حیث راهیابی افراد شایسته و جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به سمت نمایندگی مردم تعیین نماید.<sup>۱۳</sup> این نوع شرايط فنی و قانونی

۷. حسن خسروی، حقوق انتخابات دموکراتیک، (تهران: مجد، چ ۳، ۱۴۰۰)، ص ۸۱

۸. علی دارابی، رفتار انتخاباتی در ایران، (تهران: سروش، چ ۵، ۱۳۸۸)، ص ۲۶.

۹. علیرضا سایانی و وحید جهانی میجانی، «بررسی جایگاه مجلس خبرگان رهبری در قانون اساسی»، پژوهش ملل، ش ۵ (۱۳۹۵)، ص ۶۵

۱۰. اصول ۱۰۷ و ۱۱۱ قانون اساسی.

۱۱. ماده ۱۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

۱۲. مواد ۵ و ۱۵ آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان.

۱۳. اصل ۱۰۸ قانون اساسی و بند ۱-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات.

نمی‌تواند مغایر با اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی انتخابات و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باشد.

حق انتخاب‌پذیری از حقوق شهروندی و دربرگیرنده حق اعمال حاکمیت بر تعیین سرنوشت خویش است که محروم کردن افراد از این حقوق سیاسی بدون رعایت ترتیبات قانونی مجاز نیست.<sup>۱۴</sup> تعیین شرایط داوطلبی و احراز تأیید و عدم تأیید صلاحیت نامزدی مطابق قانون است و هیچ‌کس را نمی‌توان بدون مستند قانونی و دلیل معتبر از حق انتخاب شدن محروم کرد.<sup>۱۵</sup> اما روش اثباتی جنبه‌های رفتاری نامزدی با شرایط کیفی در برخی از بندهای ماده ۱۱ قانون انتخابات مجلس خبرگان از قبیل شرایط کلی اعتقادی و اهلیت اخلاقی موجب ایجاد موانع و محدودیت ناروا و ناموجه بر حق انتخاب‌پذیری شهروندان می‌شود. با اینکه تحدید حقوق داوطلبان در قانون اساسی قابل تصدیق است، ولی سؤال اساسی این است که مبانی محدودیت‌های حق انتخاب‌پذیری و راه‌حل ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن در نظام حقوقی انتخابات مجلس خبرگان چگونه است؟

نگارندگان این پژوهش با تمرکز بر ظرفیت حقوقی قانون اساسی، موضوع را به روش توصیفی-تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری کرده و مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، بازتعریف و بیان حقیقی معیار، ملاک و میزان رفتار انتخاب‌شوندگان و ارزیابی عملی و احراز واقعی صلاحیت نامزدی با تفوق حقوق ملت در اصول قانون اساسی و راهکار سیاست‌های کلی انتخابات امکان‌پذیر است. پیشنهاد شاخص‌های دقیق و متعارف برای تعیین شرایط داوطلبی، روش رسیدگی بر صلاحیت و اعتراض نامزدی با اصول حقوقی (آیین رسیدگی تخصصی) و پاسخگویی عمومی نهاد ناظر می‌تواند به رفع ابهام از گستره حق انتخاب‌شوندگان و نیز توسعه مشارکت همگانی و تقویت حق تعیین سرنوشت سیاسی بینجامد. در خصوص حق نمایندگی با رویکرد ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای مجلس خبرگان رهبری پژوهشی انجام نشده است، ولی در برخی از کتب یا مقالات به بخشی

---

<sup>۱۴</sup> علیرضا عنابی و فریور خلیلی شجاعی، «محدودیت‌های انتخاباتی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان»، نشریه کانون وکلای دادگستری، ش ۲۱ و ۲۲ (۱۳۹۰)، ص ۷۴.  
<sup>۱۵</sup> ماده ۱۴ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

از موضوع محرومیت از حق نامزدی در انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره شده که اهم سوابق آن عبارت است از:

الف) پروین و نورایی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نظریه حق الناس در خصوص حق رأی و بررسی صلاحیت‌ها» آورده‌اند: حق الناس، گزاره دینی بسیار مهمی برای صیانت از حقوق انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در انتخابات است. حق نمایندگی در تعیین شرایط و تشخیص صلاحیت داوطلبی مطرح است و دو رویکرد نسبت به تأیید و رد صلاحیت‌ها وجود دارد که یکی توجه به ضرورت احراز صلاحیت و دیگری احراز عدم صلاحیت داوطلبی است. باتوجه به لزوم تعهد و تخصص نمایندگی مردم، دیدگاه نخست ارجحیت دارد.

ب) رضائی‌زاده و داوری (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی» بیان داشته‌اند: حاکمیت صالحان و حق تعیین سرنوشت اجتماعی از مبانی و اصول قانونی است. حاکمیت قانون، مستند و مستدل بودن تصمیمات و آرای، عدم صلاحیت، لزوم احراز صلاحیت، لازم و کافی بودن ابزار عینی در احراز شرایط صوری، از اصولی هستند که باید در احراز صلاحیت نامزدها مد نظر ناظران باشند.

ج) یآوری (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر» گفته است: نظارت کارآمد بر صلاحیت‌ها عامل رقابتی شدن انتخابات و مانع ورود اشخاص فاقد شرایط قانونی به انتخابات است. شرایط اعتقادی به دلیل کلی و مبهم بودن، سبب جهت‌گیری سیاسی، مذهبی و شخصی شده، بهتر است از شرایط داوطلبی حذف گردد.

د) طحان نظیف و قلیچ‌پور (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات» بیان کرده‌اند: نمایندگان مردم باید افراد متعهد و کارشناسان باتجربه باشند، سیاست‌های کلی انتخابات راهکار مناسبی برای ارتقای شایسته‌گزینی است و قانون‌گذار موظف به تعریف و احصای مصادیق شرایط سلبی و اصلاح شرایط ذهنی است. با اینکه نویسندگان مشکل اصلی انتخاب‌پذیران را شرایط کیفی تلقی کرده‌اند، اما به روش‌های مبهم احراز صلاحیت اشاره‌ای نکرده‌اند.

مطالعات و نقدهای انجام شده، بیشتر بر بحث تمایز ماهیت و تکلیف محوری حق رأی از سایر نظام‌های حقوقی، احراز صلاحیت با شرایط کیفی<sup>۱۶</sup> و حذف یا تعدیل کیفیت شرایط انتخاب‌پذیران<sup>۱۷</sup> در انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره دارند، ولی در خصوص مبانی محدودیت و گستره حق انتخاب‌پذیری اعضای مجلس خبرگان رهبری در حقوق انتخاباتی مجلس خبرگان پژوهشی صورت نگرفته است. برخی از این دیدگاه‌ها به دلایل زیر مورد بحث واقع شده است: **نخست**، حق رأی که شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است، از حق قانونی و اختیاری افراد به‌شمار می‌رود و هیچ اجبار قانونی هم بر آن مترتب نیست. **دوم**، حذف یا نادیده گرفتن شرایط اعتقادی و اهلیت اخلاقی داوطلبان مجلس خبرگان رهبری با مبانی حاکمیت مردم‌سالاری دینی نامأنوس است و وجهت قانونی آن جای بسی اشکال خواهد بود. بحث اصلی در انتخابات مجلس خبرگان می‌تواند وجود برخی محدودیت‌های ناروا و ناموجه (خارج از تحدید قانون اساسی) در حق انتخاب‌پذیری شهروندان باشد که مهم‌ترین موارد آن عبارت است از: نبود تعاریف و بیان حقیقی از معیار و ملاک شرایط داوطلبی (میزان واقعی رفتار فردی) و فقدان آیین رسیدگی تخصصی (اصول و قواعد روش ارزیابی عملی احراز صلاحیت‌ها «تأیید و رد» و رسیدگی به اتهامات انتسابی و اعتراضات نامزدها) است. برخی نویسندگان در مقالات خود اشاره کرده‌اند<sup>۱۸</sup>، قانون‌گذار (مجلس خبرگان) براساس اصل ۱۰۸ قانون اساسی و بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات می‌تواند معیار و شاخص‌های دقیق شرایط داوطلبی و اصول رسیدگی بر شرایط قانونی نامزدها را تعریف و به‌صورت شفاف، کمی و عینی معین نماید تا از تفاوت برداشت‌های حقوقی از شرایط نامزدی و ابهام در روش احراز صلاحیت داوطلبان کاسته شود.

نگارندگان این تحقیق با نگاهی نو به مسئله، به‌جای طرح مناقشه نوع نظارت (استصوابی) و برخی از شرایط ایجابی اعتقادی، تلاش کرده‌اند مسائل و موانع انتخاب‌پذیران در بخش

<sup>۱۶</sup> محمدجواد رضائی‌زاده و محسن داوری، «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی»، دانش حقوق عمومی، ش ۱۴ (۱۳۹۵)، ص ۱۱۷.

<sup>۱۷</sup> اسداله یآوری، «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، تحقیقات حقوقی، ش ۸۰ (۱۳۹۶)، ص ۲۳۴.

<sup>۱۸</sup> هادی طحان‌نظیف و سجاد قلیچ‌پور، «آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات»، دانش حقوق عمومی، ش ۳۱ (۱۴۰۰)، ص ۱۹.

تعیین و تشخیص شرایط داوطلبی را با تکیه بر قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات به صورت کامل بررسی نموده، سپس شیوه‌های ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای مجلس خبرگان را ارائه کنند. از این رو، پس از مروری بر تبیین مفهومی حق رأی، حق انتخاب‌پذیری، انتخاب‌ناپذیری و نظارت بر صلاحیت داوطلبان خبرگان، به مطالعه و بررسی نظام تقنینی و رویه‌های نظارتی در تعیین، تطبیق و تشخیص شرایط داوطلبان، مبانی حق انتخاب شدن و محرومیت از نمایندگی مردم و احراز صلاحیت نامزدی پرداخته‌اند.

## ۱. تبیین مفهومی حق نمایندگی مردم، حق انتخاب‌پذیری، انتخاب‌ناپذیری و نظارت بر صلاحیت داوطلبان

حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش، از طریق اعمال حق رأی فردی، حضور رأی‌دهندگان و انتخاب‌شوندگان در انتخابات آزاد و رقابتی امکان‌پذیر است و به این ترتیب در سایه نظام نمایندگی، حکومت از مشروعیت و مقبولیت عمومی برخوردار خواهد شد.<sup>۱۹</sup> گزینش نمایندگان مجلس خبرگان به صورت همگانی، مستقیم، مخفی و با اکثریت نسبی آرای شرکت‌کنندگان انجام می‌شود.<sup>۲۰</sup> و این نوع گزینش تصویر صادقی از گرایش و تمایلات شهروندان است که از برخی شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور نشئت می‌گیرد. معمولاً نامزدهای خبرگان از طریق احزاب سیاسی یا مستقل وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی می‌شوند و هر شهروند واجدالشرایط حق دارد به صورت انفرادی یا گروهی در رقابت‌های انتخابات مجلس خبرگان شرکت کند. رقابت در چارچوب قانون برای خدمتگزاری، مثبت ارزیابی می‌شود و نمایانگر مطالبات واقعی مردم است؛ انتخابات غیررقابتی نوعی محدودیت بر گزینش و مشارکت افراد در انتخابات و فقدان رقابت‌های منصفانه است.<sup>۲۱</sup> در خصوص رقابتی بودن انتخابات خبرگان، قانون قبلی ساکت بود، اما تبصره ۴ ماده ۴ قانون تازه تصویب در خصوص رقابتی شدن انتخابات مجلس خبرگان چنین بیان می‌دارد، چنانچه نامزدهای حوزه انتخابیه از تعداد کرسی‌های خبرگان کمتر باشند انتخابات در آن حوزه پس از ایجاد شرایط رقابتی برگزار

<sup>۱۹</sup> گای اس گودوین گیل، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*، ترجمه قاسم زمانی و جمال سیفی، (تهران: دانش، چ ۱، ۱۳۷۹)، ص ۱۱.

<sup>۲۰</sup> مواد ۴ و ۵ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

<sup>۲۱</sup> حسن خسروی، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، (تهران: مجد، چ ۳، ۱۴۰۰)، ص ۱۵۱.

می‌شود. تمامی انتخابات در سطوح مختلف منطقه‌ای و ملی رقابتی هستند، تعداد کاندیدها باید حداقل دو برابر تعداد منتخبان موردنیاز باشد<sup>۲۲</sup>، ولی انتخابات مجلس خبرگان علی‌رغم اصلاحات قانون جدید، بازهم انتخابات رقابتی به آن معنا که در مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری مطرح است، نیست.

گرچه ماهیت حق رأی فردی به حق تکلیف و حکمی تقسیم می‌شود، اما نظام حقوقی انتخابات که حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی در تمام انتخابات سیاسی<sup>۲۳</sup> را به حقوق شهروندی اختصاص و در اختیار مردم قرار داده، از حقوق بشر جهان‌شمولی برخوردار است و مشروط و مقید به جامعه خاصی نیست<sup>۲۴</sup>. با اینکه ماهیت حق نمایندگی مورد مناقشه قرار گرفته، ولی نظام حقوقی براساس واقعیت و سازوکارهای اجتماعی و سیاسی برای این حق، ویژگی‌هایی مانند همگانی بودن و برابری قرار داده است<sup>۲۵</sup>. برداشت کلی از حق نمایندگی در هر دو حوزه حقوق داخلی و خارجی همان حق انتخاب شدن شهروند به مناصب انتخابی نظام سیاسی است. حق انتخاب شدن ابزاری نوین در دست شهروندان برای اعمال حاکمیت بر تعیین سرنوشت خویش و نظام نمایندگی است که هدف اصلی آن، تأمین امنیت و تکریم هویت انسانی به همراه آزادی فردی و برابری است.

### ۱.۱.۱. حق رأی فردی

واژه حق، از اصطلاح حقوقی انگلیسی گرفته شده است و رأی یک عمل تشریفاتی و حقوقی به حساب می‌آید که شهروند با انجام آن طبق ضوابط و شرایط قانونی به گزینش نماینده یا نمایندگان خود می‌پردازد<sup>۲۶</sup>. رأی دادن وسیله ابراز اراده شهروندان جهت شکل‌گیری نهادهای سیاسی و مدنی و دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور است، اما اراده شهروند تنها منحصر به حق انتخاب کردن نیست او حق انتخاب شدن هم دارد. حق انتخاب‌پذیری نماد حق حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش است که از حقوق ذاتی و طبیعی انسان‌ها شمرده شده، در دو بُعد داخلی و خارجی متجلی می‌گردد. بُعد داخلی آن بسیار حائز اهمیت

<sup>۲۲</sup> ماده واحده قانون تثبیت تعداد کاندیدها در انتخابات، ۱۳۷۰، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

<sup>۲۳</sup> انتخابات سیاسی شامل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی است.

<sup>۲۴</sup> ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

<sup>۲۵</sup> بیژن عباسی، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، (تهران: دادگستر، ۱۳۹۰)، ص ۱۸۷.

<sup>۲۶</sup> ابوالفضل قاضی شریعت‌پناه، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران: میزان، ج ۱۴، ۱۳۹۵)، ص ۵۸۲.

است و معیاری برای نظام مردم‌سالاری در اداره امور کشور و اعمال حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش است که جز از طریق نمایندگان منتخب مردم ممکن نیست.<sup>۲۷</sup> اعطای حق رأی سیاسی در ایران به زمان مشروطه برمی‌گردد که با محدودیت‌های خاصی دایر شده است.<sup>۲۸</sup> بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مشارکت همگانی در حاکمیت مورد توجه قانون‌گذار اساسی قرار گرفته و استمرار نظام جمهوری اسلامی را به آرای عمومی منوط کرده است که مشارکت در انتخابات برای مکلفین یک تکلیف شرعی تلقی می‌شود.<sup>۲۹</sup> و نخستین مجلس جمهوری اسلامی به نام مجلس خبرگان قانون اساسی برای بررسی نهایی قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ با رأی مردم تشکیل شد. حق نمایندگی مردم در مجلس خبرگان ابزاری کارآمد برای اعمال حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش است، این حق در قانون اساسی ریشه در کرامت ذاتی و شرافت انسانی دارد و به‌عنوان حق‌الناس نیازمند حمایت دولتی و نظارت شفاف و عادلانه است.

## ۲.۱. حق انتخاب‌پذیری

انتخاب‌پذیری<sup>۳۰</sup> وضعیت حقوقی کسانی است که واجد شرایط قانونی برای داوطلبی در انتخابات خبرگان هستند و می‌توانند خود را در معرض انتخاب شدن قرار دهند. حق انتخاب‌پذیری در اجتماع، فرصت برخورداری فرد از حق انتخاب شدن است که فلسفه مردم‌سالاری و اصل برابری افراد در برابر قانون را ایجاب می‌کند. هر شهروندی باید در چارچوب قانون بتواند انتخاب‌شونده هم باشد، ولی قانون‌گذار به سبب مسئولیت خطیر نمایندگی مردم در تعیین شرایط داوطلبی در مقایسه با رأی‌دهندگان، سخت‌گیرانه‌تر عمل می‌کند.<sup>۳۱</sup> حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی نظام در اصول متعدد قانون اساسی مانند انتخاب شدن به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری پذیرفته شده و کیفیت انتخاب و تعیین شرایط نمایندگی مجلس خبرگان با رعایت سایر اصول قانون اساسی به خود مجلس خبرگان واگذار گردیده است.

<sup>۲۷</sup> بیژن عباسی، پیشین، ص ۳۷۸.

<sup>۲۸</sup> علی دارابی، رفتار انتخاباتی در ایران، (تهران: سروش، چ ۵، ۱۳۸۸)، ص ۳۱.

<sup>۲۹</sup> روح‌الله موسوی خمینی، انتخابات در اندیشه امام خمینی، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۸، ۱۳۹۴)، ص ۷۰.

<sup>۳۰</sup> Eligibility.

<sup>۳۱</sup> جواد تقی‌زاده، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، حقوق اساسی، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵)، ص ۵۸.

حق انتخاب شدن در واقع یک اصل حقوقی است، ولی مطلق و بی‌قید و شرط نیست و تحدید معقول حقوق داوطلبان در نص ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اصول قانون اساسی پذیرفته شده است. این نوع محدودیت‌ها تحت شرایط ایجابی و سلبی برای داوطلبان برقرار می‌شود. از مهم‌ترین موارد محدودیت حق انتخاب‌پذیری شهروندان در انتخابات مجلس خبرگان، می‌توان به عدم اعتقاد به مبانی نظام (جمهوریت و اسلامیت)، پایبند نبودن به قانون اساسی، عدم ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه، فقدان اهلیت اخلاقی، نداشتن سلامت مالی، و محکومان و محرومان از حقوق اجتماعی به حکم قانون، اشاره کرد. شرایط محدودکننده نوعاً برای جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به مناصب انتخاباتی نظام است که ناشی از اصل حاکمیت قانون است و محدودیت ناموجه محسوب نمی‌شود. این شرایط نمی‌تواند نامتعارف و مغایر با حقوق ملت در اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی انتخابات و معیارهای پذیرفته‌شده حقوق بشری دولت ایران باشد<sup>۳۲</sup>. قانون‌گذار برای ارتقای شایسته‌گزینی، انتخاب داوطلبان شایسته‌تر از جمهوری اسلامی و تأمین حقوق داوطلبان، می‌تواند معیار و شاخص‌های شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبی را در چارچوب قانون اساسی به صورت کمی، دقیق و قابل ارزیابی و عملیاتی تعریف و تعیین کند<sup>۳۳</sup> تا حقی از کسی پایمال نشده، به رفع ابهام و گستره دامنه حق انتخاب‌پذیران و توسعه مشارکت عمومی بینجامد.

### ۳.۱. انتخاب‌ناپذیری

انتخاب‌ناپذیری<sup>۳۴</sup> عبارت است از وضعیت محرومیت از حق انتخاب شدن؛ یعنی کسانی صلاحیت لازم برای نامزد شدن را ندارند. شرایط سلبی داوطلبی در قانون انتخابات خبرگان به صورت صریح بیان نشده است، ولی در صورت فقدان هر یک از شرایط ایجابی ماده ۱۱ قانون انتخابات، مانند نداشتن عدالت، اشتهار به دیانت، تعهد به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و عدم التزام به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه می‌تواند در اکثر موارد فرد را انتخاب‌ناپذیر مطلق نماید. انتخاب‌ناپذیری مطلق به دلایل شخصی است که فرد

<sup>۳۲</sup> محمد قاری سید فاطمی، «حق تعیین سرنوشت و مساله نظارت بر انتخابات: نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی»، مدرس،

علوم انسانی، ش ۴ (۱۳۸۲)، ص ۱۲۶.

<sup>۳۳</sup> بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات.

<sup>۳۴</sup> Ineligibility.

نمی‌تواند در هیچ‌یک از حوزه‌های انتخابیه تحت هیچ شرایطی داوطلب شود<sup>۳۵</sup>؛ و انتخاب‌ناپذیری نسبی مانند محکومان قطعی کیفری در جرایم عمدی است که فرد را از حقوق اجتماعی محروم می‌کند و این نوع محرومیت شامل داوطلبان مجلس خبرگان هم می‌شود<sup>۳۶</sup>.

#### ۱.۴. نظارت بر صلاحیت داوطلبان خبرگان

در نظام‌هایی که انتخابات از راه احزاب و تشکل‌های سیاسی انجام می‌گیرد به بررسی صلاحیت نامزدی از سوی نهاد ناظر انتخابات نیازی نیست و وظیفه آنان منحصر به رسیدگی شکایات و اعتراضات انتخاباتی است<sup>۳۷</sup>. اما چنین سازوکاری در نظام انتخاباتی کشور ما وجود ندارد و افراد با هر شرایطی در انتخابات خبرگان بدون واسطه احزاب و به‌طور مستقیم ثبت نام و وارد رقابت‌های انتخاباتی می‌شوند. نهاد ناظر هم در تمامی مراحل انتخابات به‌طور عام ورود پیدا می‌کند. تضادهای موجود در سیاست‌گذاری کشور موجب مسائلی در امور حاکمیتی می‌شود که فراتر از مخالفت‌های سیاسی با برخوردهای جناحی و شخصی است. در این بین، امر نظارت بر شرایط قانونی داوطلبان گروه‌های خاص، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود تا حذف رقبای سیاسی در انتخابات، مشکل مضاعفی ایجاد نکند<sup>۳۸</sup>.

اصل نظارت بر روند انتخابات و تشخیص واجدین صلاحیت نامزدی به‌منظور جلوگیری از تخلفات و صیانت از آرای مردم و حقوق اشخاص یک امر مسلم و ضروری است<sup>۳۹</sup>، اما آنچه موجب بحث اصلی در نظارت بر صلاحیت داوطلبان می‌شود عبارت است از: نبود ملاک و معیار حقیقی و شاخص‌های دقیق شرایط داوطلبی و روش ارزیابی عملیاتی جنبه‌های رفتاری فردی با برخی شرایط داوطلبی در قانون انتخابات، به‌طوری که روش اثباتی شرایط کلی و نحوه انتساب اتهام، صدور آرا و احکام را ابهام‌آمیز نموده است<sup>۴۰</sup>. نظارت شورای نگهبان بر

<sup>۳۵</sup> جواد تقی‌زاده، «انتخاب‌ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۴ (۱۳۸۸)، ص ۷۴.

<sup>۳۶</sup> از مصادیق مجازات تبعی در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲.

<sup>۳۷</sup> ابوالفضل قاضی شریعت‌پناه، پیشین، ص ۶۰۸.

<sup>۳۸</sup> حسن خسروی و ایرج حسینی صدرآبادی، «نظارت کارآمد بر انتخابات»، حقوق اداری، ش ۱۳ (۱۳۹۶)، ص ۸۴.

<sup>۳۹</sup> علی‌اکبر جعفری ندوشن، بررسی تطبیقی کار ویژه‌های شورای نگهبان در ایران، فرانسه و آمریکا، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵)، ص ۱۲۰.

<sup>۴۰</sup> محمد هاشمی و اعظم عدالت‌جو، «مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان»، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۱۱ (۱۳۹۰)، ص ۲۲۳.

انتخابات مجلس خبرگان مطابق قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی است.<sup>۴۱</sup> فقهای شورای نگهبان پس از دریافت مدارک، رسیدگی لازم را برای احراز صلاحیت داوطلبان معمول می‌دارند و نظر خود را طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان از طریق هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات به ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام می‌کنند. به‌رغم پذیرش اصل نظارت بر مراحل انتخابات، چالش‌های سیاسی-حقوقی به‌ویژه در خصوص نظارت بر صلاحیت داوطلبان در انتخابات مستولی گشته که بیشتر انتقادات به سمت مرجع ناظر و نوع ارزیابی صلاحیت داوطلبان است.<sup>۴۲</sup>

طبق تبصره ۱ ماده ۱۱ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، تشخیص همه شرایط نامزدی و احراز اجتهاد تمام نامزدهای خبرگان به‌غیر از کسانی که مقام معظم رهبری به‌صورت صریح یا ضمنی اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد، برعهده فقهای شورای نگهبان است. انتخاب مرجع و منبع کسب اطلاعات و مدارک لازم از وضعیت داوطلب برای بررسی شرایط قانونی و نحوه احراز صلاحیت نامزدها از طریق مراجع رسمی و یا تحقیقات محلی، با شورای نگهبان است.<sup>۴۳</sup> این شورا بارها اعلام نموده است که به سبب وجود شرایط اثباتی در قانون انتخابات به‌طریقی تلاش می‌کند تا به این درک برسد که نامزد دارای چنین شرایطی هست یا خیر. یعنی یقین حاصل نماید که فرد شرایط قانونی را داراست. این طرز عمل نهاد نظارتی در تحصیل دلیل از طریق تحقیقات محلی و اصل احتیاط که مستند رد یا عدم احراز صلاحیت نامزدها قرار می‌گیرد مورد بحث واقع شده است.

درخصوص منابع تحقیق درباره سابقه و رفتار نامزد انتخاباتی دو نظر کلی مطرح است؛ برخی تنها منابع تحقیق را منحصر به مراجع رسمی دانسته، می‌گویند تحقیقات محلی فاقد وجاهت قانونی است. برخی نیز معتقدند اگر مراجع قانونی به هر دلیلی پاسخ کافی و مناسبی در مورد شرایط قانونی داوطلبان ارائه نکنند نهاد ناظر می‌تواند از منابع دیگری درباره سوابق و رفتار نامزدها تحقیق نماید.<sup>۴۴</sup> باتوجه به اینکه محروم کردن افراد از حقوق اساسی مستلزم

<sup>۴۱</sup> تبصره یک ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان ۱۳۹۹.

<sup>۴۲</sup> اسداله یآوری، «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، تحقیقات حقوقی، ش ۸۰ (۱۳۹۶)، ص ۲۱۳.

<sup>۴۳</sup> محمد مؤمن، «شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان»، گفت‌وگو، حکومت اسلامی، ش ۸ (۱۳۷۷)، صص ۱۴۳-۱۴۴.

<sup>۴۴</sup> احمد جنتی، «شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان»، گفت‌وگو، حکومت اسلامی، ش ۸ (۱۳۷۷)، ص ۱۵۵.

ترتیبات احکام قانون است و از طرفی اصل حاکمیت قانون و پاسخگویی مبنای ارزیابی و قضاوت ناظران در خصوص احراز صلاحیت نامزدی خواهد بود، بنابراین قانون‌گذار می‌تواند به علت فقدان آیین رسیدگی خاص و با تمسک به بندهای ۳-۱۰ و ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات، نوع عملکرد نهاد نظارتی را با تصویب آیین رسیدگی تخصصی برای احراز عملی صلاحیت‌ها و رفع ابهام از حق انتخاب‌شوندگان معین کند تا بررسی دقیق، شفاف، مستند، مستدل و پاسخگویی مسئولانه به اعتراضات و اختلافات صورت گیرد.

رسیدگی به شکایت و اعتراض داوطلبان به تصمیمات هیئت‌های اجرایی، نظارتی و روند برگزاری انتخابات با شورای نگهبان است. براساس نظریه تفسیری به شماره ۱۲۳۴ مورخ اول خرداد ۱۳۷۰ شورای نگهبان، نظارت شورا عام بوده، شامل همه مراحل انتخابات اعم از اجرایی، تشخیص صلاحیت داوطلبی و صحت انتخابات می‌شود و نظارت شورای نگهبان بر انتخابات خبرگان اطلاق ندارد و فقط شامل مرحله اجرا و صحت انتخابات است. تأیید صلاحیت داوطلبان خبرگان طبق قانون انتخابات تنها برعهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شده است و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات نسبت به جمع‌آوری اخبار و اطلاعات (تحقیقات محلی) در تحصیل دلیل از طریق سوابق داوطلبان اقدام می‌کند<sup>۴۵</sup>. اعتبار و ادله قانونی چنین گزارش و مدارکی که مستند دلیل رد صلاحیت افراد می‌شود در قانون انتخابات بیان نشده است و نهاد ناظر با این توجیه که منابع رسمی استعلام توانایی یا اختیار لازم برای بررسی همه‌جانبه سوابق داوطلبان در بندهایی از شرایط قانون را ندارند، اقدام به تحقیق محلی می‌کند<sup>۴۶</sup>. در هر صورت نهاد ناظر نیازمند برخورداری از چنین اختیارات قانونی و سازوکار حقوقی است.

برخی از شرایط داوطلبی، کمی و قابل ارزیابی عملیاتی<sup>۴۷</sup> است، مانند اجتهاد تجزی و سوابق سوء امنیتی و کیفری که با استعلام از مراجع قانونی ممکن است. اما بعضی از این شروط کیفی است، مانند عدالت، اشتها به دیانت و وثوق، اعتقاد به مبانی نظام و اهلیت اخلاقی که احراز واقعی اینها به سبب نوع شرایط کیفی و فقدان قابلیت ارزیابی عملی دشوار

<sup>۴۵</sup> محمد مؤمن، پیشین، ص ۱۴۳.

<sup>۴۶</sup> احمد جنتی، پیشین، ص ۱۵۵.

<sup>۴۷</sup> شرایط کمی، دارای شاخص‌های ارزیابی عملی و عینی است؛ ولی شرایط کیفی، تفسیربردار و ارزیابی آنها دشوار است. اگر شرایط نامزدی به نحوی روشن، شفاف و کمی باشد، نهاد ناظر در مقام بررسی دچار برداشت‌ها و سلیقه‌های گوناگون نمی‌شود.

است و امکان اعمال سلیقه شخصی و تضعیف حقوق افراد متصور است.<sup>۴۸</sup> مطابق ماده ۱۴ قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب ۱۴۰۲ و ماده واحده موضوع تبصره یک ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب ۹ تیر ۱۳۷۰، نهاد ناظر (شورای نگهبان) در مقام رسیدگی بر صلاحیت داوطلبان نسبت به ارزیابی وجود یا نبود شرایط قانونی اقدام می‌کند تا نظر خود را به صورت تأیید یا عدم تأیید صلاحیت افراد اعلام نماید. برداشت کلی از قانون در خصوص احراز صلاحیت داوطلبی عبارت است از:

**(الف) احراز تأیید صلاحیت؛** یعنی تأیید افراد برای داوطلبی نمایندگی مردم.

**(ب) احراز عدم تأیید صلاحیت؛** یعنی فرد نمی‌تواند نامزد انتخاباتی شود و از داوطلبی نمایندگی مردم در خبرگان محروم است. اما عدم احراز صلاحیت داوطلبی، روش سوم است که از روی مصلحت و برای اطمینان (سیاست پیشگیرانه) از ورود افراد فاقد شرایط احتمالی به مجلس خبرگان انجام می‌شود، فرد را از حق انتخاب شدن محروم و از رقابت‌های انتخاباتی باز می‌دارد.<sup>۴۹</sup> در واقع، وضعیت حقوقی رد و تأیید صلاحیت افراد مشخص است، اما عدم احراز صلاحیت مبهم می‌باشد.

شورای نگهبان در بررسی صلاحیت افراد بر احراز شرایط قانونی داوطلبان تأکید دارد تا ناظران شرایط ایجابی را احراز کرده یا فرد ادعای خود را ثابت نماید و محملی برای اعمال اصل برائت یا اصلت‌الصحه در تشخیص صلاحیت نامزدها روا نمی‌دارد.<sup>۵۰</sup> عدم توانایی ناظران در احراز شرایط نامزدی دلیلی بر نداشتن صلاحیت قانونی افراد نیست. نقدهایی بر آن وارد شده که مغایر با اصل صحت است و این اصل از اصول شرعی، عرفی و حقوقی حاکم بر حقوق افراد و اجتماع می‌باشد.<sup>۵۱</sup> شورای نگهبان در احراز عدم صلاحیت افراد بر اصل احتیاط تکیه می‌کند و تحقیق و تفحص را منافی با این اصل نمی‌داند.<sup>۵۲</sup> نتیجه عدم احراز صلاحیت به مثابه نتیجه احراز عدم صلاحیت است و فرد را از رقابت‌های انتخاباتی باز می‌دارد. براساس

<sup>۴۸</sup> جواد تقی‌زاده، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، *حقوق اساسی*، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵)، ص ۷۹.

<sup>۴۹</sup> علی‌اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۱۲۴.

<sup>۵۰</sup> سید احمد مرتضایی، «پاسخ به شبهات (نظارت استصوابی) با رویکرد فقهی»، *حکومت اسلامی*، ش ۱ (۱۳۸۹)، ص ۱۴۳.

<sup>۵۱</sup> احمد گل محمدی و نصیر عبادپور، «صلاحیت و انتخابات؛ دشواری‌های نهادینه‌شدن «کسب قدرت سیاسی» در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ش ۲۶ (۱۴۰۰)، ص ۱۰۸.

<sup>۵۲</sup> صادق املی لاریجانی، «شورای نگهبان از منظر فلسفه سیاسی»، *فصلنامه بازتاب اندیشه*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ش ۴۴ (۱۳۸۲)، ص ۲.

بند ۳-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها در چارچوب قانون است و بررسی شرایط قانونی باید به صورت دقیق، به موقع، همراه با پاسخگویی مسئولانه و مطابق با اسناد و مدارک مراجع ذیصلاح انجام پذیرد؛ بنابراین در صورت نبود دلیل معتبر بر عدم صلاحیت فرد، اصل صحت می‌تواند ارزیابی شرایط کیفی را محدود و حمایت از حقوق داوطلبی را در برابر اتهامات وارده تضمین نماید<sup>۵۳</sup>. به طور کلی، احراز شرایط کیفی با جنبه‌های رفتاری نامزدی موجب ابهام در حق انتخاب‌پذیری شهروندان است؛ حق استماع و دفاع متناسب از اتهامات وارده، از اصول رسیدگی حقوقی و قضاوت عادلانه است و قانون‌گذار در راستای تأمین حقوق داوطلبان و جلوگیری از ارزیابی متفاوت می‌تواند نسبت به تعریف و تعیین ملاک و معیارهای روشن، عینی، شفاف و کمی شرایط داوطلبی و روش رسیدگی بر صلاحیت نامزدی اقدام کند.

نظارت بر روند برگزاری انتخابات و احراز صلاحیت‌ها از سوی شورای نگهبان، نظارتی عام و مطلق است و قوه قضاییه دخالتی در این‌گونه قضایا ندارد<sup>۵۴</sup>. از آنجا که ارتکاب تخلفات و جرایم در مواردی ممکن است در نتیجه برگزاری انتخابات و تأمین حقوق داوطلبان مؤثر باشد، مقنن مرجع رسیدگی بر تخلفات و شکایات در قوانین انتخاباتی را غیر از ناظران انتخابات تعیین نکرده است و شورای نگهبان تنها مرجع یگانه رسیدگی بر شکایات و اعتراضات تلقی می‌شود. شورا نیز در بررسی مصوبات مجلس، خود را مرجع رسیدگی بر شکایات انتخاباتی می‌داند. برخی هم معتقدند اگر رسیدگی به شکایات انتخاباتی به نهادهای دیگری همچون قوه قضاییه واگذار شود اصل استقلال شورا نقض می‌گردد<sup>۵۵</sup>. در این خصوص مقام رهبری می‌تواند براساس اصول ۴، ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی نسبت به موارد تصریح شده یا نشده از طریق ارشاد، فرامین یا سیاست‌های کلی برای تأمین حقوق افراد ورود نماید<sup>۵۶</sup>. همچنین مجلس خبرگان قادر است مطابق اصل ۱۰۸ قانون اساسی و بند ۲-۱۰ و ۱۱ سیاست‌های

<sup>۵۳</sup> علی ولایی و رحیم نوبهار، «جایگاه اصل صحت در ارزیابی صلاحیت داوطلبان انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۳۰ (۱۴۰۲)، ص ۲۷۶.

<sup>۵۴</sup> علی‌اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۱۲۲.

<sup>۵۵</sup> حامد نیکونهاد و زینب عساکره، «گستره و اقتضائات نظارت استصوابی بر انتخابات در نظرات شورای نگهبان؛ با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی»، *دانش حقوق عمومی*، ش ۲۶ (۱۳۹۸)، ص ۱۵.

<sup>۵۶</sup> محمدجواد جاوید و محسن نامی، «جایگاه فرامین مقام رهبری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *حقوق اسلامی*، ش ۲ (۱۳۹۰)، ص ۲۵.

کلی انتخابات، مقرراتی از قبیل تعیین دومارحله‌ای رسیدگی‌ها، حضور اشخاص یا وکیل آنان در مراحل رسیدگی، بررسی دقیق‌تر صلاحیت نامزدی، پاسخگویی عمومی نهاد ناظر و مراجع استعلام و اعلام دلایل اتهامی و مستندات مربوط به رد صلاحیت افراد (تجدیدنظرخواه) را وضع کند. اصل حاکمیت قانون، نهاد ناظر را در مقابل افعال و تصمیمات خود پاسخگو می‌کند، پاسخگویی از دو اصل شفافیت و مسئولیت‌پذیری برخوردار است و ماده ۱۴ قانون انتخابات مجلس خبرگان، فقهای شورای نگهبان را ملزم کرده است در صورت رد صلاحیت داوطلب، با درخواست وی دلایل و مستندات رد صلاحیت او را کتباً و منحصرأً به خود او ابلاغ کنند.

## **۲. مروری بر نظامات تقنینی و رویه‌های نظارتی در تعیین شرایط داوطلبی و روش احراز صلاحیت نامزدی**

شرایط انتخاب‌پذیری داوطلبان در قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری در دو مبحث جداگانه به‌عنوان شرایط ایجابی و سلبی قابل بررسی است که ماده ۱۱ قانون انتخابات خبرگان تصریح می‌کند، خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایطی باشند از قبیل:

الف) عدالت و اشتها به دیانت، وثوق و شایستگی و سلامت اخلاقی و اقتصادی.

ب) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد.

ج) داشتن بینش مناسب سیاسی، اجتماعی و آشنایی لازم با مسائل روز.

د) تعهد به انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران، التزام به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه.

ه) نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی به تشخیص مراجع قانونی و رسمی.

تشخیص دارا بودن شرایط داوطلبان خبرگان با فقهای شورای نگهبان است، بر این اساس، شورا تأکید دارد که وضعیت نامزد را با شرایط قانونی تطبیق و صلاحیت وی را احراز نماید. تعیین شرایط و رسیدگی به صلاحیت نامزدی طبق قانون است و کسی را نمی‌توان بدون مستند قانونی و دلیل معتبر از حق انتخاب شدن محروم کرد.

### **۲.۱. تعیین شرایط ایجابی**

شرایط ایجابی نوعی محدودیت بر حق انتخاب‌پذیری افراد است و فرد فاقد شرایط را از نمایندگی مردم در مجلس خبرگان محروم می‌کند. فقدان شرایط ایجابی از جمله شروط

اعتقادی و اهلیت اخلاقی در اکثر موارد داوطلب را انتخاب‌ناپذیر مطلق و دائمی می‌کند. تعیین شرایط فنی و قانونی که برای نمایندگی مردم در مجلس خبرگان لازم می‌آید نمی‌تواند برخلاف اصول قانون اساسی و معیارهای پذیرفته‌شده حقوق بشری باشد. تعیین هرگونه شرایط محدودکننده برای حقوق سیاسی نباید به تبعیض و نابرابری بین شهروندان منجر شود<sup>۵۷</sup> و اصولاً افرادی که دارای شایستگی اجتماعی و توانمندی مدیریتی هستند نباید به دلیل دیدگاه‌های انتقادی یا خطای سبک و اشتباهات قابل اغماض از جرگه خدمتگزاری محروم شوند. بعضی از شرایط ایجابی در قانون انتخابات با عبارات و واژه‌های کلی و تفسیربردار بیان شده است، مانند عدالت، اشتها به دیانت، مورد وثوق بودن و شایستگی اخلاقی که میزان ضرورت تحقق و حصول قطعیت در وجود یا فقدان آنها در داوطلبان انتخابات خبرگان تفسیربردار و ابهام‌آمیز است. از اینکه کار تطبیق و تشخیص صلاحیت با شرایط داوطلبی واقعی‌تر و عملی باشد، باید قانون‌گذار در حد معقولی شاخص‌های دقیق شروط عدالت، تقوا و اعتقادات را به صورت روشن، شفاف و کمی معین کند؛ تعریفی از مصادیق فرایض دینی و عدم اصرار بر محرمانه (تظاهر به فساد)، ملاک و معیارهای اعتقاد به مبانی نظام اسلامی، التزام به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه را مشخص نماید تا مقام ناظر در بررسی شرایط قانونی دچار برداشت‌ها و سلیقه‌های متفاوت نشود<sup>۵۸</sup>.

## ۲.۱.۱. عدالت، اشتها به دیانت، وثوق، شایستگی و سلامت اخلاقی و اقتصادی

نظام سیاسی کشور ما تحت عنوان جمهوری اسلامی تعریف شده است تا حاکمیت اسلام در تمام شئون جامعه اجرا شود و مطابق اصل دوم قانون اساسی، کارگزاران نظام باید به این اصول اعتقاد داشته باشند. شخصی که خود را جزء خبرگان ملت می‌داند وجود شرایطی همچون عدالت، تدین، شایستگی، سلامت اخلاقی و اقتصادی و اعتقاد به مبانی نظام در او لازم است.

<sup>۵۷</sup>. International Institute for Democracy and Electoral Assistance. International Electoral Standards: Guidelines for Reviewing the Legal Framework. The OSCE Publication (2001), IDEA, p. 33.

<sup>۵۸</sup>. بیژن عباسی لاهیجی، محمدحسین باقری خوزانی و محمدصادق فراهانی، «تأملی بر شاخصه‌های تضمین شفافیت مربوط به نامزد، مجری و ناظر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ش ۱ (۱۴۰۲)، ص ۳۲.

عدالت<sup>۵۹</sup> مهم‌ترین صفتی است که حاکم و کارگزار اسلامی باید از آن برخوردار باشد تا از ارتکاب فساد یا انحراف عمدی در مرحله اجرای قانون و تصمیمات مصون بماند.<sup>۶۰</sup> مبنای نظام سیاسی همان اعتقادات مذهب شیعه است، مگر آنکه اهل سنت به مذهب خود ثابت‌العقیده باشد (اصل ۱۲ قانون اساسی). طبق بند ۸ ماده ۱۱ قانون انتخابات، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری باید مجتهد باشند و امکان ورود غیرمسلمان به آن مجلس منتفی است. منبع مشروعیت نظام سیاسی از احکام اسلامی نشئت گرفته است و برخلاف سایر نظام‌های غربی، رأی اکثریت مردم در آن شرط لازم و کافی برای مشروعیت حاکمیت نیست.<sup>۶۱</sup>

نمایندگی حکومت در جمهوری اسلامی به‌طور مستقیم از سوی نمایندگان منتخب مردم اعمال می‌شود و داوطلبی خبرگان یک حق عمومی است که سلب آن از افراد نیازمند قانون است. هریک از ویژگی‌های شرایط داوطلبی ماهیت کیفی دارند و حصول قطعیت در وجود یا فقدان آنها و میزان لازم برای اعضای خبرگان رهبری ابهام‌آمیز است و تعریف جامع و کاملی برای افراد واجد شرایط به‌عمل نیامده است.<sup>۶۲</sup> بنابراین مسئله اصلی، ضرورت میزان تحقق عدالت، اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی و اعتقاد به مبانی نظام جمهوری اسلامی است که تا چه حد در شئون یک نماینده مسلمان (میزان تقید به فرایض و تجاهر به محرمات) ضرورت دارد و در رفتار آنان باید منعکس شود؟ اصولاً شرایط حق نمایندگی در هر نظامی برگرفته از مبانی حاکمیتی آن نظام سیاسی و منطبق با اهداف و آرمان‌های ملت در قانون اساسی است. این شرایط باید معقول، متعارف و مورد پذیرش عموم باشد تا رقابت آزاد

<sup>۵۹</sup> عدالت، حالت نفسانی است که انسان را بر ملازمت تقوا برمی‌انگیزد و از ارتکاب گناهان بزرگ و اصرار بر گناهان کوچک و بی‌مبالاتی باز می‌دارد. در فقه اسلامی، عدالت برای مناصب مانند ولایت و رهبری، قضاوت و شهادت شرط شده است. نک: روح‌الله موسوی خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۱، (قم: دارالعلم، ج ۳، ۱۳۶۷)، صص ۱۲-۱۳.

<sup>۶۰</sup> توکل حبیب‌زاده و امیرحسین اصل‌زعیف، «تأملی در باب شرط رجل مذهبی سیاسی در خصوص رئیس‌جمهور»، *دانش حقوق عمومی*، ش ۸ (۱۳۹۳)، ص ۳۲.

<sup>۶۱</sup> علی فلاح‌زاده و حسین عزیزی، «تأملی بر حق رأی در پرتوی حقوق اسلامی»، *حکومت اسلامی*، ش ۴ (۱۳۹۲)، ص ۱۳۴.

<sup>۶۲</sup> مجید بزرگمهری، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه»، *حقوق اساسی*، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵)، ص ۵۲.

انتخاباتی را فراهم نماید<sup>۶۳</sup>. قانون‌گذار در این زمینه اختیار دارد شرایط اعتقادی و سلامت اخلاقی داوطلبان را با عنوان عمل به واجبات دینی، ترک محرمات، عدم اصرار بر فساد اخلاقی، سیاسی و اقتصادی، پایبندی به قانون اساسی، عدم مخالفت با سیاست‌های کلی نظام و ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه به صورت کمی، شفاف و عینی‌تر تعریف و تعیین کند تا برداشت‌های شخصی و سیاسی از قانون موجب ارزیابی غیرواقعی شرایط و تضييع حقوق داوطلبان نشود.

### ۲.۱.۲. اجتهاد متجزی<sup>۶۴</sup>

خبرگان منتخب مردم باید قدرت استنباط بعضی از مسائل فقهی را در حدی که بتوانند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهند، داشته باشند و اجتهاد کسانی که از سوی رهبر معظم انقلاب به صورت صریح یا ضمنی تأیید شده باشند از نظر علمی به تشخیص فقهای شورای نگهبان نیاز ندارد (تبصره یک ماده ۱۱ قانون انتخابات خبرگان). تشخیص اجتهاد داوطلبی از راه‌های دیگر آن است که اکثر فقهای شورای نگهبان اجتهاد فرد را تأیید کنند یا در مورد کسانی که تردید دارند، از طریق آزمون کتبی و شفاهی و کمیته ارزیابی، اجتهاد آنان را مشخص سازند. قانون‌گذار در بند «الف» ماده ۱۲ قانون جدید، با قرار دادن مدرک حوزوی مانند سطح چهار، در راستای عینی‌تر کردن روش علمی شناخت اجتهاد داوطلبان کوشیده است. برگزاری آزمون علمی در مراکز رسمی (حوزه علمیه)، تشکیل کمیته ارزیابی شفاهی متشکل از استادان میرز حوزه‌ها برای امتحان و تعیین صلاحیت علمی داوطلبان<sup>۶۵</sup>، می‌تواند به شفاف‌سازی در تعیین اجتهاد افراد، رفع ابهام از انتخاب‌پذیری و کاهش رویه‌های مغایر با قانون و اصول حقوقی بینجامد.

### ۲.۱.۳. داشتن بینش مناسب سیاسی و اجتماعی و آشنایی لازم با مسائل روز

بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز از شروط انتخاب‌پذیری داوطلبان خبرگان است. گرچه فقیه بودن شرط خبره است، اما ملاک آن تنها فقاقت نیست، آگاهی و بینش لازم سیاسی و اجتماعی برای مدیریت سیاسی لازم است تا خبره مردم به تکلیف و مسائل

<sup>۶۳</sup> محمدحسن باقری خوزانی، فرامرز عطریان و غلامحسین مسعود، «حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس جمهور با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات»، *دانش حقوق عمومی*، ش ۳۳ (۱۴۰۰)، ص ۶۷.

<sup>۶۴</sup> مجتهد متجزی شخصی است که قادر به استنباط حکم شرعی در بعضی از ابواب فقه است.

<sup>۶۵</sup> بند «ب» ماده ۱۱ قانون انتخابات خبرگان.

روز جامعه آشنایی داشته باشند و مرز بین اهداف و آرمان‌های قانون اساسی و منافع ملی را با انحراف و دسیسه‌ها تشخیص دهد. وجود آگاهی سیاسی لازمه مدیریت و پیشرفت نظام سیاسی است.<sup>۶۶</sup> عدم آگاهی به مسائل جاری سبب خدشه در انتخاب شایسته‌گزینی است و آشنایی با مسائل سیاسی و اجتماعی غیر از اعتقاد به نظام سیاسی است و فقدان آگاهی اجتماعی و سیاسی، فرد را در موضع‌گیری دچار انتخاب اشتباه می‌کند. از آنجا که حاکمیت قائم به رأی مردم و نمایندگان آنان است، محتوا و شاخص‌های ارزیابی برای شناخت از مواضع افراد، سطح بینش و آگاهی آنان در راستای اهداف و آرمان‌های قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، دارای اهمیت خواهد بود. محدودیت‌ها استثنا بر اصل هستند. براساس اصول حقوقی، شروط نامزدی باید قابل ارزیابی عملی باشد و زمانی احراز صلاحیت فرد ممکن است که ملاک وجودی آن، روشن، مصداقی و عینی باشد. اگر ملاک و معیارهای انتخاب‌پذیری دقیق و واقعی نباشد، امکان احراز آن دشوار خواهد بود. مطابق بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، مجلس خبرگان می‌تواند شاخص‌های لازم شرایط نامزدی، بررسی دقیق شرایط قانونی (احراز صلاحیت) و پاسخگویی مسئولانه و عمومی نهاد ناظر را تعیین کند تا حقوق داوطلبان از اعمال نفوذ و جهت‌گیری سیاسی در امان باشد.

## ۴.۱.۲. تعهد به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و التزام به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه

از جمله ملاک‌های شایستگی در داوطلبان خبرگان، داشتن اعتقاد به مبانی نظام، اصل ولایت مطلقه فقیه و التزام به قانون اساسی است که مهم‌ترین شاخصه آن براساس اصول قانون اساسی، معتقد بودن به مبانی نظام (جمهوریت و اسلامیت) است. پذیرش اعتقاد به مبانی نظام با اعلام لفظی محقق می‌شود و مادامی که اقدامی بر علیه این پذیرش صورت نگرفته باشد، یعنی اعتقاد به مبانی نظام در کارگزاران نظام وجود دارد و در واقع رفتار افراد ملاک عمل قرار می‌گیرد.<sup>۶۷</sup> برخی از مصادیق مبانی نظام در اصل دوم قانون اساسی بیان شده است و معمولاً وضعیت داوطلب در اعتقاد به مبانی نظام، از اوضاع و احوال، شرایط و

<sup>۶۶</sup> روح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۲۷، ۱۳۹۲)، ص ۲۷.  
<sup>۶۷</sup> اظهارات سخنگوی شورای نگهبان در دیدار با استادان دانشگاه امیرکبیر مبنی بر معتقد بودن کارگزاران نظام به قانون اساسی و پذیرش اصول و مبانی نظام، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۰۴/۲۵ به آدرس: [www.shora-gc.ir/fa/news/1401](http://www.shora-gc.ir/fa/news/1401).

مشی اجرایی و عملی وی روشن می‌شود که نامزد در مسیر تحقق اهداف و اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام قرار دارد یا خیر.

## ۲.۲. مقررات سلبی برای حق انتخاب‌پذیری در انتخابات مجلس خبرگان

### رهبری

قانون‌گذار از آغاز انقلاب اسلامی تلاش کرده است تا مخالفان نظام جمهوری اسلامی را از انتخاب‌پذیری در مناصب حکومتی محروم کند؛ از جمله کسانی که در جهت تحکیم ساختار رژیم پهلوی نقش مؤثری داشتند و افرادی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی و طرف‌داری از گروه‌های مخالف نظام محکوم شده باشند از حق انتخاب‌شدن محروم‌اند.<sup>۶۸</sup> مقررات سلبی نوعی محرومیت از حقوق اجتماعی بوده، به‌مثابه مجازات تبعی یا تکمیلی است.<sup>۶۹</sup> برخی از این محرومیت‌ها با عنوان محرومیت‌های نسبی برای مدت معین به‌وجود می‌آیند و با رفع موانع از بین می‌روند، ولی در صورت فقدان هریک از شرایط یادشده، برای فرد، ایجاد محرومیت مطلق خواهد کرد؛ مانند اینکه فرد دارای سوء سابقه سیاسی و کیفری باشد. براساس مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، کسانی که به‌عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم می‌شدند، پس از گذشت مواعد مقرر در قانون، اعاده حیثیت می‌کردند و آثار تبعی محکومیت آنان زائل می‌شد، اما بند «الف» تبصره ۲ ماده ۲۶ قانون یادشده، فرد را از حق انتخاب‌شدن در انتخابات مجلس خبرگان به‌طور دائمی محروم می‌کند. این گونه شرایط نباید بدون دلیل معتبر پذیرفته شود تا دستاویزی برای تشدید و تأثیر بر قضاوت و اعمال سلیقه فردی یا گروهی در رد صلاحیت‌ها باشد؛ چراکه رفتار خلاف قانون در انتخابات آزاد به اعتبار و سلامت آن در نزد افکار عمومی خدشه وارد می‌کند و اساساً انتخابات آزاد و منصفانه بر آزادی رأی‌دهندگان و انتخاب‌شوندگان استوار است.<sup>۷۰</sup>

## ۱.۲.۲. نداشتن سوء سابقه سیاسی و اجتماعی

در انتخابات اشخاصی که به گروه و سازمان سیاسی و اجتماعی غیرقانونی وابسته یا از آن‌ها طرف‌داری کرده باشند از انتخاب‌شدن محروم‌اند و غیرقانونی بودن گروه و احزاب

<sup>۶۸</sup> تحقیق مناط از ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۲۹ قانون انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا.

<sup>۶۹</sup> پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، (تهران: گنج دانش، چ ۲، ۱۳۷۲)، ص ۲۱۴.

<sup>۷۰</sup> Masclat Jean Claude, *Le droit des elections politiques*, (Paris: puff, 1992), p 67.

متبوعه از طریق مراجع ذیصلاح طبق ترتیبات قانونی اعلام می‌شود. براساس اصل ۲۶ قانون اساسی احزاب و گروه‌ها آزاد هستند و ادامه فعالیت آنها مشروط بر این است که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. افراد و احزاب سیاسی در رقابت‌های انتخاباتی برای انتخاب شدن آزاد هستند<sup>۷۱</sup>؛ چنانچه مرتکب تخلف و جرایمی هم شده باشند تا محکومیت قطعی از محرومیت‌های حقوق اجتماعی که موجب انتخاب‌ناپذیری نشوند از حق انتخاب‌شدن برخوردارند و می‌توانند در انتخابات به‌عنوان انتخاب‌شونده حضور یافته و خود را در معرض انتخاب مردم قرار دهند. هیچ‌کس را به علت ویژگی شخصیتی، فعالیت سیاسی یا مخالفت و انتقاد از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نمی‌توان از انتخاب شدن محروم کرد.

### ۲.۲.۲. سابقه محکومیت کیفری در جرایم عمدی

قانون‌گذار در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در برخی از جرایم عمدی که محکومیت قطعی کیفری ناشی از جرم باشد، محرومیت از حقوق اجتماعی دایر کرده است؛ از جمله این محرومیت‌ها، داوطلب شدن در انتخابات مجلس خبرگان است. این شرط از جمله شرایط سلبی و کمی است و به علت داشتن محکومیت کیفری قابلیت ارزیابی عینی هم دارد.

### ۲.۳. سایر شرایط انتخاب‌پذیری

در قانون قبلی انتخابات خبرگان به شرایطی از قبیل تابعیت، سن، مدرک تحصیلی، سلامت جسمانی، کناره‌گیری از مقام و شغل و سکونت در محل حوزه انتخابیه که از محدودیت‌های انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی هستند، اشاره‌ای نشده بود. اما در بندهایی از ماده ۱۱ قانون تازه تصویب، موضوع تابعیت، سن، مدرک تحصیلی و سلامت جسمی مورد توجه قرار گرفته است و در خصوص تابعیت داوطلبان انتخاباتی، تابعیت اصلی ملاک خواهد بود. با توجه به توسعه روزافزون جهانی، کم‌رنگ شدن مرزهای فیزیکی و وجود اشتراکات فرهنگی و اقتصادی ملت‌ها، محروم کردن نخبگان سیاسی که دارای تابعیت اکتسابی و شایستگی خاص هستند، منطقی به‌نظر نمی‌رسد و قانون‌گذار می‌تواند تحت شرایطی از این امتیاز کشور را منتفع نماید<sup>۷۲</sup>. به‌منظور پرهیز از فشار قدرت بر نمایندگان مردم و جلوگیری از نفوذ دولتمردان بر انتخابات

<sup>۷۱</sup> صادق زیباکلام و مرتضی مقتدایی، «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، علوم سیاسی، ش ۲۹ (۱۳۹۳)، ص ۱۷.

<sup>۷۲</sup> محمدرضا ضیائی بیگدلی، اسلام و حقوق بین‌الملل، (تهران: گنج دانش، چ ۹، ۱۳۸۹)، ص ۶۴.

آزاد، مقنن در اکثر انتخابات برخی از مقامات اداری و قضایی را بعد از استعفا از پست خویش و در صورت واجد شرایط بودن مجاز به شرکت در انتخابات می‌کند که این امر در قانون انتخابات خبرگان مطرح نیست.

پایداری قانون مستلزم پایبندی نمایندگان مردم به اصول و مبانی قانون اساسی است که در رفتار آنان منعکس گردد و اگر کسی به قانون اساسی و مبانی نظام اعتقادی نداشته باشد اساساً نباید پست و جایگاه سیاسی را در نظام اشغال نماید. بنابراین، رعایت اصول و قواعد قانون اساسی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های آن در همه سطوح نظام سیاسی ضرورت دارد. برخی از شرایط انتخاب‌پذیری مصرح در ماده ۱۱ قانون انتخابات خبرگان، کیفی و غیرقابل ارزیابی واقعی هستند؛ بازتعریف و بیان حقیقی ملاک و معیارهای انتخاب‌پذیری و تعیین شاخص‌های دقیق شرایط داوطلبی می‌تواند ارزیابی و احراز صلاحیت داوطلبان را عملیاتی‌تر نماید. برخورداری از حقوق یکسان و برابر در نظام مردم‌سالاری برای همه شهروندان، احترام نهادن بر شأن و جایگاه انسانی، حفظ کرامت و نقش حیاتی مردم در نظم اجتماعی است تا به انتخاب حاکمان و مشارکت در اداره امور سیاسی کشور بپردازند.<sup>۷۳</sup> نامعقول و غیرمعارف بودن شرایط داوطلبی می‌تواند خارج از تحدید اصول قانون اساسی و به‌ویژه بند ۱-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات باشد که نوعی محدودیت ناروا و ناموجه بر حقوق افراد و مهم‌ترین چالش مشارکت عامه مردم در انتخابات است.

### ۳. مبانی محرومیت از حق نمایندگی و احراز صلاحیت نامزدی

قانون اساسی بر نحو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی در قدرت سیاسی تأکید کرده است، بند ۸ اصل ۳ و اصول ۶ و ۵۶ قانون اساسی، اعمال حاکمیت را بدون مشارکت و انتخاب مردم مشروع نمی‌داند و مشارکت عامه مردم در حکومت، جلوه‌ای از حق حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش و اعمال حاکمیت سیاسی است تا اداره امور کشور به دست آنان باشد. واگذاری حق قدرت مردم به نمایندگان منتخب خود در مجلس خبرگان از طریق آرای عمومی میسر است و مشارکت واقعی آنان در حاکمیت تنها از طریق اعمال حق رأی فردی آنان محقق می‌شود. همچنین تعیین شرایط انتخاب‌شوندگان در راستای

---

<sup>۷۳</sup>. Benkert, Gorge G, *political freedom*, (London and New York: Routledge Press, 1991), p 3.

ورود افراد شایسته و توانمند و جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت قانونی به سمت نمایندگی مردم است و محدودیت‌های حق نمایندگی در اجرای اصل حاکمیت قانون، منحصر به ترتیبات احکام قانون اساسی است.

اصل صحت یا اصالت‌الصحة یک قاعده فقهی- حقوقی است با این مفهوم که اصل بر صحت و درستی عمل است؛ مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.<sup>۷۴</sup> احراز صلاحیت و عدم صلاحیت فرد مطابق با اصل یادشده، متناسب با قواعد حاکم بر نظامات حقوقی و به نفع حقوق داوطلبی و انتخابات آزاد و رقابتی است. آنچه در احراز صلاحیت مسلم است، رعایت قانون و حقوق داوطلبی است و طبیعی است که برای گرفتن مسئولیت مهم و خطیر مقام نمایندگی خبرگان باید افراد شایسته با احراز صلاحیت قانونی به مجلس خبرگان راه یابند تا این مجلس متشکل از نمایندگان مسلمان کارآمد و متخصص باشد.

احراز صلاحیت نامزدی با دریافت اسناد و مدارک معتبری است که از سوی مراجع قانونی به صورت مستند و مدلل ارائه می‌گردد و در صورت نیافتن دلیل معتبری برخلاف شرایط ایجابی، نتیجه احراز صلاحیت‌ها در عمل با دو روش متفاوت مواجه می‌شود؛ یکی احراز تأیید صلاحیت و دیگری عدم احراز صلاحیت. در صورت اول، فرد به علت نبود دلیل و نداشتن سوء سابقه، با تشخیص نهاد ناظر، دارای صلاحیت تلقی می‌شود.<sup>۷۵</sup> اما در روش دوم، به علت عدم احراز شرایط ایجابی از سوی ناظران (تحقیق و تفحص)، فرد فاقد صلاحیت می‌شود و از رقابت انتخاباتی باز می‌ماند. به طور کلی، قانون انتخابات مرجع مشخصی را برای استعمال سابقه از فقدان شرایط عدالت، اعتقاد به مبانی نظام، التزام به قانون اساسی و وفاداری به ولایت فقیه تعیین نکرده است، درواقع فقه‌های شورای نگهبان با شناخت و معرفتی که نسبت به دلایل مکتسبه از هر طریق ممکن حاصل کردند، مرجع تطبیق شرایط قانونی با وضعیت نامزدی از قبیل اشتها به دیانت، شایستگی اخلاقی، اعتقاد به نظام و عدالت شمرده می‌شوند.<sup>۷۶</sup> به همین سبب، برخی از منتقدان لزوماً مستندات را تنها محکومیت قضایی اعلام کردند و خارج از آن را غیرقابل عمل می‌دانند و معتقدند که اعتقاد داوطلب می‌تواند با اظهار او احراز شود و مادامی که بر علیه آن تعهد اقدامی نکرده باشد اعتبار دارد و عدم التزام عملی داوطلب

<sup>۷۴</sup> مصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی، (تهران: مرکز علوم اسلامی، ۱۳۷۵)، ص ۲۰۷.

<sup>۷۵</sup> ماده واحده موضوع تبصره یک ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب ۱۳۷۰، شورای نگهبان.

<sup>۷۶</sup> محمد مؤمن، «شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان»، گفت‌وگو، حکومت اسلامی، ش ۸ (۱۳۷۷)، ص ۱۴۳.

به اسلام با حکم قطعی دادگاه صالح مبنی بر فساد مالی یا اخلاقی وی به اثبات می‌رسد.<sup>۷۷</sup> این برداشت صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا آنچه اهمیت دارد وجود دلیل متقن مبنی بر داشتن شرایط ایجابی و فقدان شرایطی سلبی داوطلبان است که در نزد مرجع رسمی صلاحیت‌دار طبق ترتیبات قانونی به اثبات رسیده باشد؛ در غیر این صورت، مورد مستند قانونی محرومیت افراد قرار می‌گیرد.<sup>۷۸</sup>

مدارک و مستندات احراز صلاحیت داوطلبان خبرگان در شورای نگهبان محدود به مراجع استعلام نبوده، از روش‌های دیگری مانند تحقیق و رسیدن به حجت شرعی هم ممکن است.<sup>۷۹</sup> یا زمانی که شورا از وجود شرایط در نامزد علم و اطلاع داشته باشد به همان علم خود به عنوان قطعی‌ترین حجت عقلی و شرعی اکتفا می‌کند. وجاهت قانونی تحقیقات که مستند رسیدگی به صلاحیت نامزدها قرار می‌گیرد مورد بحث واقع شده است و در مواقعی موجب تضییع حقوق افراد و یا شاهد تأیید و رد صلاحیت‌های پی‌درپی در جریان انتخابات و یا در مراحل بعدی آن می‌شود. شرایط داوطلبی به ایجابی و سلبی تقسیم شده است. در مورد شرایط سلبی معمولاً داوطلب بی‌نیاز از ارائه سند و مدرک است، ولی در عمل روش عدم احراز صلاحیت سبب می‌شود تا داوطلب وضعیت و رفتار خود را نسبت به شرایط ایجابی یعنی ادعای خود ثابت نماید و چنانچه شورا آن را احراز نکند، فرد انتخاب‌ناپذیر مطلق محسوب می‌شود.

اصل تساوی و برابری همگان در برابر قانون، از اعطای امتیازات واهی و غیرقانونی به طبقه یا قشر خاصی نهی می‌کند؛ چراکه همه افراد جامعه در شمول و اجرای قانون نسبت به هم برابرند و ملاک بنیادین در اصل برابری، یکسان بودن شرایط همه افراد ملت در برابر قانون است. در اصل برابری، انسان‌ها دارای حقوق و تکالیف یکسانی هستند تا عدالت اجتماعی در جامعه تحقق یابد.<sup>۸۰</sup> واگذاری قدرت تصمیم‌گیری به نهاد عالی بدون وجود شیوه و ابزار مؤثر حل و فصل دعاوی انتخاباتی بی‌معنی است. اصل دادرسی و قضاوت عادلانه ایجاب می‌کند نهاد ناظر برای رسیدگی به شرایط قانونی و اعتراضات داوطلبان انتخاباتی، آیین

<sup>۷۷</sup> تبصره ماده ۴ طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی به تاریخ اعلام وصول: ۱۳۹۹/۱/۲۷.

<sup>۷۸</sup> محمد هاشمی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، (تهران: میزان، چ ۵، ۱۳۸۹)، ص ۲۶۴.

<sup>۷۹</sup> . حامد نیکونهاد و زینب عساکره، پیشین، ص ۹.

<sup>۸۰</sup> محمد هاشمی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۸، ۱۳۸۷)، ص ۲۸۴.

رسیدگی تخصصی داشته باشد. به منظور کیفیت رسیدگی دادرسان انتخاباتی و افزایش اعتماد عمومی لازم است با استناد به ماده ۱۴ قانون انتخابات خبرگان، تصمیمات و آرای ناظران متقن (مستند و مدلل) باشد و اتهامات اثباتی در خارج از دادگاهها و بدون دفاع متناسب افراد از حق خویش، مستند رد صلاحیت آنان قرار نگیرد.

انتخاب مقام رهبری (رئیس کشور) وجه ممیزه نظام مردم‌سالاری دینی است. طبق اصول ۸ و ۱۰۸ قانون اساسی، مردم به‌طور مستقیم از طریق امر به معروف، احزاب و رسانه‌های جمعی و یا به‌طور غیرمستقیم از طریق نمایندگان منتخب خود در مجلس خبرگان ناظر بر اعمال رهبری هستند. ضمانت‌های لازم برای رعایت نظام نمایندگی و حقوق داوطلبان انتخاباتی در نظام حقوقی پیش‌بینی شده است و نقش افکار عمومی در صیانت از قانون و جلوگیری از نقض حقوق سیاسی شهروندان اهمیت بسزایی دارد. مردم می‌توانند با تأثیرگذاری بر حاکمان و نمایندگان خود نسبت به مغایرت‌های قانونی و عملکرد کارگزاران واکنش نشان دهند تا سیاست‌گذاری، مقررات‌گذاری و عملکردها در حیطه قانون اساسی معمول گردد و رضایت‌مندی شهروندان فراهم آید.<sup>۸۱</sup>

### نتیجه‌گیری

حق رأی فردی، یعنی حق انتخاب کردن به‌طور روشن و حق انتخاب شدن به‌صورت ضمنی، در اصول متعدد قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. حق تعیین سرنوشت در امور سیاسی و اجتماعی در راستای مشارکت عامه مردم و در اعمال حاکمیت سیاسی است، و حق انتخاب شدن حق قانونی همه افراد ملت محسوب می‌شود. هر شهروندی در چارچوب قانون اساسی می‌تواند خود را نامزد انتخابات مجلس خبرگان رهبری نماید و دیگران هم می‌توانند به او رأی دهند. در اجرای حاکمیت قانون، مجلس خبرگان اختیار دارد با رعایت حقوق اشخاص، شرایط داوطلبی را از حیث راهیابی افراد شایسته و توانمند و جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به مجلس خبرگان تعیین کند. این نوع شرایط فنی و قانونی نمی‌تواند برخلاف اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی انتخابات و معیارهای پذیرفته‌شده حقوق

<sup>۸۱</sup> علی‌اکبر ترمزان، «جایگاه و نقش سند چشم‌انداز در قانون اساسی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقش مدیریت راهبردی در تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ج ۴، (۱۳۹۱)، ص ۴۴.

بشری دولت جمهوری اسلامی باشد. حق نمایندگی مردم از حقوق عمومی و ذاتی است و حقوق هیچ شهروندی برای شرکت در اداره امور کشور به علت وضع قواعد نامتعارف و نظارت ناروا محدود نمی‌شود. قانون‌گذار می‌تواند برای نیل به اهداف و آرمان‌های ملت در قانون اساسی و ارتقای شایسته‌گزینی نامزدها در تراز جمهوری اسلامی، برخی شاخص‌های لازم شرایط داوطلبی، اصول و قواعد احراز عملی (واقعی) صلاحیت نامزدی (تأیید و رد صلاحیت‌ها) و رسیدگی به اعتراضات داوطلبان را با تفوق حقوق ملت در قانون اساسی و راهکار سیاست‌های کلی انتخابات به صورت عینی و کمی تعریف و تعیین نماید.

حق نمایندگی مردم از اصول بنیادین و حقوق اساسی ملت است که قانون اساسی آن را تحت عنوان حق تعیین سرنوشت پذیرفته است؛ یعنی اصل بر انتخاب شدن است، مگر آنچه قانون منع کرده باشد. تحدید حقوق داوطلبان در قانون اساسی می‌تواند شامل پایبندی به قانون اساسی، اعتقاد به مبانی نظام (جمهوریت و اسلامیت)، ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه و اهلیت اخلاقی باشد و موارد محرومیت از حق نمایندگی منحصر به احکام قانون اساسی است. حق انتخاب شدن از شاخصه‌های انتخابات آزاد و رقابتی در نظام نمایندگی است که نباید مورد خدشه قرار گیرد. لازمه سلب حق انتخاب شدن افراد در انتخابات، احراز عدم صلاحیت آنان است که براساس مستندات قانونی و دلایل معتبری به اثبات می‌رسد.

اتصاف به شرایط شایستگی اخلاقی، دیانت و اعتقاد به مبانی نظام در داوطلبان خبرگان رهبری که از اصول و ارزشی‌های حاکمیت مردم‌سالاری دینی است، نمی‌تواند چالش حقوقی در انتخابات به‌شمار آید. آنچه در روند حق نمایندگی مردم در انتخابات مجلس خبرگان محدودیت ناروا و ناموجه (خارج از قانون اساسی) محسوب می‌شود عبارت‌اند از:

الف) نبود تعریفی مشخص از معیارهای حقیقی و شاخص‌های دقیق شرایط اعتقادی و اهلیت اخلاقی انتخاب‌شوندگان، از قبیل ضرورت تحقق و میزان ارزش حقیقی افعال و رفتار افراد با شرایط کیفی مصرح در قانون انتخابات.

ب) فقدان آیین رسیدگی تخصصی که موجب ابهام در ارزیابی و احراز عملی صلاحیت داوطلبان با شرایط کلی و دادرسی حقوقی بر اعتراضات داوطلبان می‌شود؛ از قبیل عدم ارائه دلایل اتهامات انتسابی، وجود برخی تفاوت‌ها در روش‌های ارزیابی و عدم دسترسی کلیه داوطلبان به فقهای شورای نگهبان جهت دفاع از اتهامات وارده.

بازتعریف و بیان حقیقی معیارها، تعیین دقیق شرایط داوطلبی و تدوین آیین رسیدگی تخصصی براساس اصول رسیدگی حقوقی و قضاوت عادلانه و اتقان آرا و تصمیمات ناظران به منظور کیفیت بررسی‌ها و افزایش اعتماد عمومی در حیطه قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات لازم است تا به رفع ابهام از حق انتخاب شدن شهروندان، توسعه حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن بینجامد. به نظر می‌رسد، پاره‌ای از مسائل و محدودیت‌های حق نمایندگی، ناشی از عدم التزام و اجرای ناقص قانون اساسی است.

شورای نگهبان به عنوان نهاد پاسدار قانون اساسی که صلاحیت تشخیص و احراز شرایط قانونی داوطلبان و صیانت از آرای مردم را برعهده دارد، در ایفای این وظیفه خطیر، نیازمند برخورداری از آیین رسیدگی تخصصی و سازوکار قانونی است تا ارزیابی و احراز عملی شرایط قانونی و رسیدگی به اعتراض داوطلبان را شفاف، دقیق، بی طرفانه و حرفه‌ای انجام دهد. افرادی که به هر دلیلی رد صلاحیت می‌شوند، در صورت اعتراض به رد صلاحیت خود در یک مرجع دادرسی (دومرحله‌ای و قضاوت دوباره)، به موضوع آنان رسیدگی و در صورت لزوم، از افراد اعاده حیثیت به عمل خواهد آمد تا حقوق اساسی افراد مورد ابهام یا برداشت سلیقه‌ای قرار نگیرد. محمل قانونی تحقیقات محلی برای تحصیل دلیل از منابع مردمی (به عنوان یک روش پیشگیرانه) جای بسی اشکال است که محل و مرجع مطمئن و متیقن برای ارزیابی شرایط انتخاب‌پذیری نامزدها نیست. در هر صورت، برخورداری از چنین اختیاراتی نیازمند قانون است.

رهیافت و راهکار برون‌رفت از وضعیت موجود، نیازمند بازتعریف و بیان حقیقی معیارهای انتخاب‌پذیری و مبانی محدودیت‌های قانونی آن از قبیل میزان ارزش حقیقی افعال و رفتار داوطلبان نسبت به تقید به احکام اسلامی، عمل به فرایض دینی، عدم تجاهر به محرمات، چگونگی اعتقاد و ابراز وفاداری به نظام و ولایت فقیه و روش احراز عملی صلاحیت نامزدی که در شئونات نمایندگی مردم، متناسب و مقتضی با کلیت جامعه امروزی لازم می‌آید، به وضوح از سوی حاکمیت تبیین گردد تا مانع از برداشت شخصی و سیاسی شده، دستاویزی برای تضعیف حقوق داوطلبی و حذف رقبای سیاسی نگردد. برای رفع ابهام و گسترش دامنه انتخاب‌پذیران به مناصب انتخابی موارد زیر لازم به نظر می‌رسد.

## پیشنهادها

۱- تعیین شاخص‌های دقیق و لازم شرایط داوطلبی، به‌ویژه شرایط اعتقاد به مبانی نظام، ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه و اهلیت اخلاقی (کمی، عینی و قابل ارزیابی) مانند قرار دادن شرایط عدم التزام، اعتقاد و ابراز وفاداری می‌تواند رویکرد اخلاقی، دینی و عقلانی نظام انتخاباتی را شفاف و عینی نماید. مشخص کردن دقیق موارد محرومیت از حق انتخاب شدن و بررسی وجدانی و علمی شرایط قانونی می‌تواند نتیجه احراز ارزیابی‌ها را واقعی و عملی‌تر کند. شرایط سخت‌گیرانه و کلی، بازتولید نظام سیاسی را دچار کاستی و چندگانگی سیاسی کرده، حقوق داوطلبان را تضعیف می‌سازد.

۲- نیاز است بررسی احراز صلاحیت نامزدی به‌صورت دومرحله‌ای در هیئت بدوی متشکل از افراد متخصص و بی‌طرف با آیین رسیدگی تخصصی (روش رسیدگی حقوقی و قضاوت عادلانه) برای ارزیابی عملیاتی شرایط نامزدی انجام گیرد. رسیدگی به اعتراض داوطلبان انتخاباتی با حضور شاکی یا وکیل وی صورت پذیرفته، در صورت لزوم از افراد اعاده حیثیت به‌عمل آید. به‌منظور افزایش اعتماد عمومی، کارسازی مؤثر بر ارزیابی اتقان قانونی آرا و تصمیمات هیئت‌ها معمول شود. با توجه به منع قانون اساسی، مقنن می‌تواند در خصوص موارد نقض حقوق داوطلبان انتخاباتی، از قبیل رسیدگی به اعتراض رد صلاحیت‌شدگان داوطلبان انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و اعضای خبرگان رهبری مراتب را به دادگاهی مانند دادگاه قانون اساسی احاله نماید.

۳- ورود افراد شایسته، متخصص و با عملکرد شفاف به انتخابات مجلس خبرگان نیازمند کارآمدی و نهادینه شدن احزاب سیاسی است تا زمینه نظارت عمومی، کاهش تعدد کاندیداهای فاقد شرایط قانونی و قدرت تشخیص مردم برای انتخاب افراد صالح را مهیا کند و انتخابات از فردمحوری به حزبی و برنامه‌محور تبدیل شود.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. جعفری ندوشن، علی اکبر (۱۳۸۵). *بررسی تطبیقی کار ویژه شورای نگهبان*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. خسروی، حسن (۱۴۰۰). *حقوق انتخابات دموکراتیک*. چ ۳، تهران: مجد.
۳. دارابی، علی (۱۳۸۸). *رفتار انتخاباتی در ایران*. چ ۵، تهران: سروش.
۴. صانعی، پرویز (۱۳۷۲). *حقوق جزای عمومی*. ج ۲، چ ۲، تهران: گنج دانش.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۹). *اسلام و حقوق بین الملل*. چ ۹، تهران: گنج دانش.
۶. عباسی، بیژن (۱۳۹۰). *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*. تهران: دادگستر.
۷. قاضی شریعت‌پناه، ابوالفضل (۱۳۹۵). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. چ ۱۴، تهران: میزان.
۸. گودوین گیل، گای اس (۱۳۷۹). *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*. ترجمه قاسم زمانی و جمال سیفی. چ ۱، تهران: دانش.
۹. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۵). *قواعد فقه بخش مدنی*. تهران: مرکز علوم اسلامی.
۱۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۴). *انتخابات در اندیشه امام خمینی*. چ ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). *ولایت فقیه*. چ ۲۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۷). *ترجمه تحریر الوسیله*. ج ۱، چ ۳، قم: دارالعلم.
۱۳. هاشمی، محمد (۱۳۸۷). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. ج ۱، چ ۸، تهران: میزان.
۱۴. هاشمی، محمد (۱۳۸۹). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. ج ۲، چ ۵، تهران: میزان.

#### – مقالات

۱۵. آملی لاریجانی، صادق (۱۳۸۲). شورای نگهبان از منظر فلسفه سیاسی. *فصلنامه بازتاب اندیشه*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، (۴۴)، ۸۵-۸۶.

۱۶. باقری خوزانی، محمدحسن؛ عطریان، فرامرز؛ و مسعود، غلامحسین (۱۴۰۰). حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس جمهور با تأکید بر سیاستهای کلی انتخابات. *دانش حقوق عمومی*، ۱۰ (۳۳)، ۵۷-۸۲.  
Doi: 10.22034/Qjplk.2021.229.
۱۷. پروین، خیرالله و نورایی، مهدی (۱۳۹۵). تحلیل نظریه حق الناس در خصوص حق رأی و بررسی صلاحیتها. *حکومت اسلامی*، ۲۱ (۴)، ۱۱۱-۱۳۳.
۱۸. ترمان، علی اکبر (۱۳۹۱). جایگاه و نقش سند چشم انداز در قانون اساسی. *مجموعه مقالات همایش ملی نقش مدیریت راهبردی در تحقق سند چشم انداز بیست ساله*، ج ۴، ۲۳-۴۷.
۱۹. تقی زاده، جواد (۱۳۸۵). شرایط خاص انتخاب پذیری در انتخابات سیاسی. *حقوق اساسی*، ۴ (۷۶)، ۵۷-۸۰.
۲۰. تقی زاده، جواد (۱۳۸۸). انتخاب ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه. *پژوهش های حقوق تطبیقی*، ۱۳ (۴)، ۷۰-۹۷.
۲۱. جاوید، محمدجواد و نامی، محسن (۱۳۹۰). جایگاه فرامین مقام رهبری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. *حقوق اسلامی*، ۱۲ (۲)، ۵-۲۸.  
DOI: 10.30497/LAW.2012.1019
۲۲. جنتی، احمد (۱۳۷۷). شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان، گفت و گو. *حکومت اسلامی*، ۳ (۸)، ۱۳۸-۱۵۲.
۲۳. حبیب زاده، توکل و اصل زعیم، امیرحسین (۱۳۹۳). تأملی در باب شرط رجل مذهبی سیاسی در خصوص رئیس جمهور. *دانش حقوق عمومی*، ۳ (۸)، ۲۳-۴۳.
۲۴. خسروی، حسن و حسینی صدرآبادی، ایرج (۱۳۹۶). نظارت کارآمد بر انتخابات. حقوق اداری، ۵ (۱۳)، ۸۳-۱۰۹.
۲۵. دبیرنیا علیرضا و دست پیمان صائب، (۱۴۰۰). شناسایی حق تعیین سرنوشت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتوی نظریه قدرت موسس. *پژوهش حقوق عمومی*، ۲۲ (۷۰)، ۹۶-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22054/qjpl.2020.44912.2197>

۲۶. رضائی زاده، محمدجواد و داوری، محسن (۱۳۹۵). مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی. *دانش حقوق عمومی*، ۵ (۱۴)، ۱۱۷-۱۴۲.
۲۷. زیباکلام، صادق و مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳). احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات. *علوم سیاسی*، ۱۰ (۲۹)، ۷-۲۸.
۲۸. سایبانی، علیرضا و جهانی میجانی، وحید (۱۳۹۵). بررسی جایگاه مجلس خبرگان رهبری در قانون اساسی. *پژوهش ملل*، ۲ (۱۵)، ۶۵-۷۶.
۲۹. طحان نظیف، هادی و قلیچ پور، سجاد (۱۴۰۰). آسیب شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست های کلی انتخابات. *دانش حقوق عمومی*، ۱۰ (۳۱)، ۱۹-۴۲.

Doi: 10.22034/QJPLK.2021.215

۳۰. عالی پور، حسین (۱۳۹۴). نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی*، ۱۸ (۶۹)، ۶۳-۸۸.

Doi: 20.1001.1.17350727.1394.18.69.3.9

۳۱. عباسی لاهیجی، بیژن؛ باقری خوزانی، محمدحسن؛ و فراهانی، محمدصادق (۱۴۰۲). تأملی بر شاخصه های تضمین شفافیت مربوط به نامزدها، مجری و ناظر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ با تأکید بر سیاست های کلی انتخابات. *پژوهش نامه حقوق اسلامی*، ۲۴ (۱)، ۲۹-۵۲.

Doi: 10.30497/law.2023.243778.3324

۳۲. عنابی، علیرضا و خلیلی شجاعی، فریور (۱۳۹۰). محدودیت های انتخاباتی انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان. *نشریه کانون وکلای دادگستری*، ۷ (۲۲ و ۲۱)، ۶۴-۷۶.

۳۳. فلاح زاده، علی و عزیزی، حسین (۱۳۹۲). تأملی بر حق رای در پرتوی حقوق اسلامی. *حکومت اسلامی*، ۱۸ (۴)، ۱۲۱-۱۴۴.

۳۴. قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۸۲). حق تعیین سرنوشت و مسأله نظارت بر انتخابات: نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی. *مدرس، علوم انسانی*، ۱۷ (۴)، ۱۲۳-۱۴۰.

۳۵. گل محمدی، احمد و عبادپور، نصیر (۱۴۰۰). صلاحیت و انتخابات؛ دشواری‌های نهادینه شدن «کسب قدرت سیاسی» در جمهوری اسلامی ایران. *دولت پژوهی*، ۷ (۲۶)، ۹۱-۱۱۸.

<https://doi.org/10.22054/tssq.2021.42057.698>

۳۶. مرتضایی، سید احمد (۱۳۸۹). پاسخ به شبهات (نظارت استصوابی) با رویکرد فقهی. *حکومت اسلامی*، ۱۵ (۱)، ۱۳۵-۱۶۰.

۳۷. مؤمن، محمد (۱۳۷۷). شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان، گفت‌وگو. *حکومت اسلامی*، ۳ (۸)، ۱۳۸-۱۵۲.

۳۸. نیکونهاد، حامد و عساکره، زینب (۱۳۹۸). گستره و اقتضائات نظارت استصوابی بر انتخابات در نظرات شورای نگهبان؛ با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی. *دانش حقوق عمومی*، ۸ (۲۶)، ۱-۲۴.

Doi: [10.22034/QJPLK.2020.182](https://doi.org/10.22034/QJPLK.2020.182)

۳۹. ولایی، علی و نوبهار، رحیم (۱۴۰۲). جایگاه اصل صحت در ارزیابی صلاحیت داوطلبان انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۴ (۳۰)، ۲۷۵-۳۰۵.

Doi: [10.22034/law.2022.49902.3067](https://doi.org/10.22034/law.2022.49902.3067)

۴۰. هاشمی، محمد و عدالت‌جو، اعظم (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان. *تحقیقات حقوقی آزاد*، ۴ (۱۱)، ۱۹۹-۲۴۳.

۴۱. یاور، اسداله (۱۳۹۶). بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر. *تحقیقات حقوقی*، ۲۰ (۸۰)، ۲۱۳-۲۳۷.

Doi: [10.22034/jlr.2018.111274.1050](https://doi.org/10.22034/jlr.2018.111274.1050)

## ب) خارجی

42. Brenkert, Gorge. G. (1991). *Political freedom*. London and New York, Routledge Press.
43. International Institute for Democracy and Electoral Assistance International Electoral Standards Guidelines for reviewing the legal framework, The OSCE publication, 2001, IDEA)
44. [www.idea.int/publications/pub\\_electoral\\_main.html](http://www.idea.int/publications/pub_electoral_main.html).

45. Masclat, Jean Claude (1992). *Le droit des elections politiques*, Paris, puff.

#### چکیده انگلیسی

### **A reflection on the concept of the right to represent, with the approach of promotion of theoretical foundations, the right to be elected Members of the Assembly of Leadership Experts, in the context of general election policies**

#### **Abstract:**

*The right to representation is a part of the individual right to vote and the most important fundamental right of the nation in managing affairs and exercising sovereignty. Its constitution has recognized the right of public participation in determining destiny and the right to choose people to represent the Assembly of Leadership Experts. Any eligible citizen can be a candidate for election. The most important task of the Assembly of Experts is to identify, determine, and introduce the leadership position. In implementing the principle of the rule of law, it has the authority to determine the conditions of election candidates. But these conditions cannot contradict the Constitution and the International Covenant on Civil and Political Rights. No one can be deprived of the right to be elected without a legal document and a valid reason. However, determining the quality conditions and verifying the qualifications of the candidates with a proof method leads to a different evaluation of the legal conditions and ambiguity in the citizens' right to choose. Limiting the rights of candidates in the main constitution is undeniable. Still, the question is, what are the criteria for limiting the right to be elected and the way to promote worthy selection in the electoral system? This research was carried out based on legal capacity and investigated the problem descriptively. The findings show that the criteria for determining the conditions and qualifications of candidacy, along with the supremacy of the nation's rights and general election policies, are possible. The proposals presented regarding determining precise and conventional indicators of candidacy conditions, examining the qualifications and objections of candidates with the principles of legal proceedings, and the public accountability of the supervisory body can lead to the removal of ambiguity and the expansion of the rights of candidates and the development of public participation in elections.*

**Keywords:** Assembly of leadership experts, candidacy qualifications, Constraints on selectivity, general election policies, the right to self-determination, and the right to representation.